

سلام عزیزم سلام
 الله طارم با التواضع بسیار در بیان و سید او سنو زندگی جوانی مان که
 باشد که چه می دانم آن خان و حقیقت دوستی حول کور
 در این دنیای پر شور و غم نمی تواند از سادگی واقعه پر خوردار باشد
 پروکت در تلو تلویک وین را نشان می دهند که در این روز
 زناد است با توفیق گناه ما گم ساید کیکی از سید را بیند و هم
 روزگار است که در در عمر زان هم جزو ارزو در و کور ما
 رده دست! در روز با بدیع تلفظی حرف ندم. حاشی که خوب است
 و معقول کار است. بمرکز هم یا خانواده اس که گرم است
 من ساید به زودی بروم. منتظم بدیع خبر بیدید. اما صفت است
 که امانت این جبار از دست بدیم... این هم کیکی از جمله دهی
 نزد است است که باید همیشه دور از وطن باشیم. خوب باشد
 پیشان گفته اند: زانیه با کتونی از کتویان زانیه باز
 بر ضد من با تمام وجود مخالف این نسخه ام و ما گوم باید بر سر زانیه زد
 طایع تو شود اما...
 بخش که کمی فلسفه بافی کردم یا در اوج رنمی دانم. بخت
 ما دانم که ضعیفی چیز را فقط با تو می توانم بگویم. آسان و بدون
 بدرد. و با این همه تفاوت سن فکر می کنم تو هم با نزد است ما سر کیکی
 گفته ام را خوب درک می کنی.

لرزادی